



تأثیر عبودیت بر زندگی اجتماعی

پدیدآورده (ها) : مصطفی پور، محمدرضا
فلسفه و کلام :: پاسدار اسلام :: تیر و مرداد 1395، سال سی و پنجم - شماره 413
از 24 تا 26
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1118514>

دانلود شده توسط : مرکز تخصصی نماز
تاریخ دانلود : 16/10/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



و زمینه‌ساز حرکت جمعی بشر به سوی حق و حقیقت و دستیابی به کمال می‌شمارد. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر امری الهی اجتماعی است و کسی که به کمال ربوبی می‌رسد، موظف است اجتماع را نیز با خود همراه کند. چنین شخصی خود به خود عبودیت را در زندگی احساس می‌کند..

۳. اصلاح بین مردم

مقوله اصلاح بین مردم به قدری مهم است که حضرت علی علیه السلام در نامه ۴۷ نهج البلاغه آن را حتی بالاتر از جهاد می‌دانند و نیز در نامه ۴۷ می‌فرمایند: «شما را و تمام فرزندان و خاندان ام را و کسانی را که این وصیت به آنها می‌رسد، به ترس از خدا و نظم در امور زندگی و ایجاد صلح و آشتی در میان تان سفارش می‌کنم، زیرا من از جد شما پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: «اصلاح بین مردم از نماز و روزه يك سال برتر است.»^(۶)

قرآن می‌فرماید: «واعصموا مجبل الله جميعاً...»^(۷) و «ولتكن منكم أمة يدعون إلى الخير ويأمرون بالمعروف ويهتدون عن المنكر...»^(۸) اصلاح خویش با ارتباط عمیق با خداوند، زمینه‌ساز آمادگی برای اصلاح دیگران است. امر به معروف و نهی از منکر، وحدت‌آفرین و مانع تفرقه و اختلاف است و باعث اصلاح بین مردم می‌شود.^(۹) یعنی اصلاح بین مردم وقتی محقق می‌شود که شخص خود را اصلاح کرده باشد که آن هم با عبودیت پروردگار حاصل می‌شود.

۴. عفو و گذشت

اگر افراد (عابدان حقیقی) نسبت به خود و دیگران عفو و گذشته داشته باشند، هیچ اختلاف و ضد‌هنجاری بین‌شان اتفاق نمی‌افتد و جامعه‌ای آرمانی با فرهنگ خدایی خواهیم داشت. به عبارت دیگر در جامعه‌ای که روح عبودیت وجود دارد، افراد نسبت به یکدیگر عفو و گذشت دارند. قرآن می‌فرماید: «... ولقد عفا عنكم...»^(۱۰) یعنی پس از اینکه امر پیغمبر را مخالفت کردید، خداوند از شما گذشت کرد. به عبارت دیگر، خداوند پس از اینکه امر کرده بود که با همان حال جراحات و شکستگی، کفار را تعقیب کنید، شما را از این رنج عفو کرد. مسلمین چون برای تعقیب کفار به نقطه حمراء الاسد

تأثیر عبودیت بر زندگی اجتماعی

■ حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا مصطفی پور

در شماره پیشین به آثار عبودیت در زندگی فردی پرداختیم و در این مجال تأثیر عبودیت بر زندگی اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. جلوگیری از گناه و فحشا

عبودیت (از جمله نماز) انسان را از گناه باز می‌دارد و موجب کاهش فحشا و بی‌بند و باری در جامعه می‌شود، چون هر چه انسان به خدا نزدیک‌تر باشد، کمتر گناه می‌کند و آثار آن در جامعه نیز نمود پیدا می‌کند. قرآن می‌فرماید: «... إِنَّ الصَّلَاةَ تَنهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...»^(۱) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نماز همانند آب جاری است، هر زمان که انسان نماز می‌خواند، گناهی که در میان دو نماز انجام شده است از میان می‌رود.»^(۲) به این ترتیب جراحاتی که بر روح و جان انسان از گناه می‌نشیند، با مرهم نماز التیام می‌یابد و زنگارهایی که بر قلب می‌نشیند زدوده می‌شود. در احادیث متعددی می‌خوانیم که افراد گناهکاری شرح حال آنها را برای پیشوایان اسلام بیان کردند و آنان فرمودند: «غم مخورید، نماز آنها را اصلاح می‌کند و کرد.» (۳) جلوگیری از گناه و فحشا، هم در بخش فردی و هم اجتماعی قابل ذکر است. این تأثیر نماز (عبودیت خدا) بر اصلاح فرد و جامعه است و آنها را از گناه و فحشا باز می‌دارد و باعث می‌شود جامعه‌ای سالم داشته باشیم.

۲. امر به معروف و نهی از منکر

عبودیت جامعه را تبدیل به مدینه فاضله می‌کند. برای رسیدن به چنین مرحله‌ای، قرآن و روایات، امر به معروف و نهی از منکر را پیشنهاد می‌کنند. انسانی که به بالاترین مراحل عبودیت رسیده است، تسلیم امر الهی می‌شود. امر به معروف و نهی از منکر نیز یکی از چیزهایی است که خدای متعال آن را از بنده خود می‌خواهد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «همانا کسی می‌تواند امر به معروف و نهی از منکر کند که در او سه خصلت باشد. خود به آنچه امر می‌کند، عمل و از آنچه نهی می‌کند خود دوری کند. در آنچه امر یا نهی می‌کند اعتدال را رعایت نماید و نرمی نشان دهد.»^(۴) همه این خصوصیات در شخص عابد وجود دارد، پس می‌تواند با عنایاتی که از جانب حق تعالی می‌شود، مردم را راهنمایی کند. خداوند در آیه ۱۷ سوره لقمان امر به معروف و نهی از منکر را از اصلی‌ترین ارزش‌های جامعه برمی‌شمارد و با توجه به کارکردهای آن برای دستیابی به مقام عبودیت ربوبی و ربوبیت عبودی در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران آن را عاملی برای حفظ ایمان و اعتقاد به خداوند

غیاب؛ مثلاً در مقام اصلاح بین دو فرد که با هم کدورتی پیدا کرده‌اند، سخنان نیکو بگویند. (۳۱)

یکی از کارهای بزرگ شیطان این است که بین انسان‌ها تفرقه بیندازد «إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ». (۳۲) بنابراین همیشه باید از این دشمن قسم خورده دور باشیم تا به این اوصاف متصف شویم، کسی به این وصف (حسن خلق) می‌رسد که عبد واقعی خدا باشد.

در روایات نیز به این امر مهم اشاره شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «سه چیز از درهای نیکی است: سخاوت و سخن پاکیزه و صبر بر اذیت». امام باقر علیه السلام نیز می‌فرمایند: «بهترین سخنی را که دوست دارید به شما بگویند، به مردم بگویید». (۳۳) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «هیچ چیز در ترازوی عدل الهی سنگین‌تر از اخلاق نیکو نیست» و «مؤمن به وسیله اخلاق نیکو به مقام شب‌زنده‌داران روزه‌دار نایل می‌شود». (۳۴) بنابراین عبودیت در سایه الطاف الهی باعث می‌شود رفتار و گفتار انسان نیز بر پایه عبودیت باشد. برخورد خوب در سایه عبودیت به خودی خود باعث رفتار خوب دیگران می‌شود و رفتارهای خوب و الهی، موازین عبودیت را در جامعه وارد می‌کنند.

۶. عدل و انصاف

یکی دیگر از نقش‌هایی که عبودیت بر تعالی فرهنگی در جامعه دارد، عدل و انصاف است. انسانی که بنده واقعی خداست می‌داند که همه موجودات مخلوق او هستند و انسان‌ها را مخلوق و صاحب حقوقی می‌داند و لذا عدل و انصاف را در برخورد با دیگران مورد توجه قرار می‌دهد.

عبودیت باعث اصلاح فرهنگ جامعه می‌شود. یکی از این موارد رعایت عدالت و انصاف در حق مظلومان و سایر افراد جامعه است. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ...». (۳۵) یعنی انصاف بین خلق و انجام آنچه بر مکلف واجب است. آنچه يك جامعه برای رسیدن به قله خوشبختی و عظمت به آن نیاز دارد در این چند جمله کوتاه آمده است. اگر این آیه به عنوان يك قانون مورد عمل قرار گیرد، در اصلاح ساختارهای فردی و گروهی و تنظیم درست روابط اجتماعی و پیدایش جامعه برتر نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد

کسی یا اجتماعی که فرهنگ آن بر مبنای عبودیت باشد، هیچ وقت بی‌عدالتی را بر نمی‌تابد و همیشه عدالت را جزئی از حقیقت ایمان می‌داند. پیامبر صلی الله علیه و آله در سفارش به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «ای علی! سرور رفتارها سه خصلت است: انصاف با مردم و مساوات با برادر دینی خود برای رضای خداوند و یاد خداوند در هر حال.» و امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «عدل رأس ایمان و مجمع نیکی‌ها و برترین مراتب ایمان است.»

داشت. عدل یعنی رسیدن هر کسی به حق و مقام شایسته خود و تقسیم عادلانه و درست امکانات جامعه که باعث پیدایش زمینه‌های رشد و شکوفایی برای همه افراد می‌شود. همان گونه که حکومت باید با مردم بر اساس عدل رفتار کند، مردم نیز باید در روابط خود با یکدیگر مطابق با عدل و انصاف عمل کنند. (۳۶)

عدل در اعتقاد ایمان به اصول توحید است، همچنین عدل در خلق، انصاف به فضائل و خوی پسندیده است و عدل در عمل، ادای وظایف دینی و پرهیز از گناهان است. (۳۷) عدل توحید است. (۳۸) عدل همان قانونی است که تمام نظام هستی بر محور آن می‌گردد، آسمان‌ها و زمین و همه موجودات با عدالت برپا هستند بالعدل قامت السموات و الارض (۳۹)

رسیدند، خداوند این حکم را از ایشان برداشت. (۴۰)

کسی که متصف به صفت خدایی می‌شود، اخلاق و رفتارش نیز الهی می‌شود، چون خدا با گذشت است، او نیز عفو و گذشت دارد. حضرت امیرالمؤمنین می‌فرمایند: «کم گذشت کردن از زشت‌ترین عیب‌هاست». (۴۱)

خداوند متعال می‌فرماید: «وَلْيُؤَاخِذِ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظَهْرِهِمْ دَابَّةً»؛ (۴۲) منظور از بخشش در اینجا بخشش دنیایی است؛ اگر خدا نمی‌بخشید، هیچ جنبنده‌ای باقی نمی‌ماند. (۴۳) آیات دیگر در این زمینه عبارتند از: «اعف عنهم واصفح إن الله يحب المحسنين»؛ (۴۴) پس [تا نزول حکم جهاد] از آنان درگذر و [از مجازات‌شان] روی گردان؛ زیرا خدا نیکوکاران را دوست دارد.

عفو و گذشت از کافر احسان و نیکی است و نیکوکار، محبوب خداست. (۴۵) «خذ العفو وأمر بالعرف وأعرض عن الجاهلین»؛ (۴۶) عفو و گذشت را پیشه کن و به کار پسندیده فرمان ده و از نادانان روی بگردان.

۵. سخن و رفتار نیکو

از دیگر اثرات عبودیت در تعالی فرهنگی در اجتماع، سخن و رفتار نیکو با بندگان است. خلق حسن مجموعه‌ای از صفات حمیده و اوصاف پسندیده، از قبیل خوشرویی، مهربانی، مودت، محبت، تواضع، خضوع، خشوع، عفو، احسان به پدر و مادر و جود و سخا و کرم و مروت است. در روایت است کسی که چهل روز گناه نکند، چشمه‌های حکمت از قلب‌اش بر زبان‌اش جاری می‌شود (این یعنی حسن خلق). این به این معناست کسی که عبودیت داشته باشد، حسن خلق دارد. اگر افراد نسبت به هم حسن خلق داشته باشند، جامعه هم يك جامعه عبودی خواهد شد.

قرآن می‌فرماید: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...»؛ (۴۷) به بندگانم بگو آنچه را که بهتر است بگویند.

در مورد واژه «احسن» تفاسیر مختلف است از جمله منظور دعوت به اسلام و گفتن لاله‌الله است (۱۸). یا در سخنان خود ادب را رعایت کنید و بذله‌گویی نکنید. (۴۹)

مراد این است که در حق دیگران و در برخورد با آنها کلمات نیک گفته شود؛ (۴۰) برخی گفته‌اند منظور شهادتین و اذکار امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت است چه در حضور و چه در

و نیز: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط...»^(۳۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید...». یعنی انصاف و اجتناب از ظلم و جور در حکم نسبت به دشمنان و داشتن حکم منصفانه نسبت به دوستان و دشمنان.^(۳۱)

و نیز این روایت: «کسی که عدل و دادگری کند، حکم‌اش نافذ است، قدر و منزلت‌ش عظیم و بزرگ گردد و روزگارش ستایش شود.»^(۳۲)

می‌دهند. قرآن کریم یکی از ویژگی‌های برجسته عباد الرحمن را تواضع و فروتنی می‌داند: «و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هوناً و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً»^(۳۳) و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار می‌دهند، به ملایمت پاسخ می‌دهند.»

در اینجا «هون» هم به معنای تواضع و مدارا و نرم‌خویی است و هم به معنای سکینه و

انسانی که به تعالی فرهنگی دست می‌یابد، در بخش فردی از ویژگی‌هایی چون تسلط بر نفس، تسلط بر افکار پراکنده، بینش خاص، بی‌نیازی روح از بدن و تصرف در آن، تصرف در جهان، عفت، صبر، محبوبیت نزد خدا، رستگاری و... و در بخش اجتماعی، جلوگیری از گناه و فحشا، امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح بین مردم، عفو و گذشت، سخن و رفتار نیکو، عدل و انصاف و فروتنی برخوردار است.

کسی یا اجتماعی که فرهنگ آن بر مبنای عبودیت باشد، هیچ وقت بی‌عدالتی را بر نمی‌تابد و همیشه عدالت را جزئی از حقیقت ایمان می‌داند. پیامبر ﷺ در سفارش به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «ای علی! سرور رفتارها سه خصلت است: انصاف با مردم و مساوات با برادر دینی خود برای رضای خداوند و یاد خداوند در هر حال.»^(۳۴) و امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «عدل رأس ایمان و مجمع نیکی‌ها و برترین مراتب ایمان است.»^(۳۵)

نتیجه آنکه اگر در جامعه‌ای عدالت بر مبنای عبودیت رعایت شود، آن جامعه به تعالی فرهنگی می‌رسد، یعنی اگر هر کسی در تمام امور زندگی خود (تحصیل، کار و...) با مردم با انصاف برخورد کند، جامعه (مجموعه این افراد) به تعالی فرهنگی می‌رسند، چون جامعه متشکل از افراد است.

وقار و نیز مراد از «هونا» زندگی کردن بر اساس فطرت و هماهنگی با روحیه‌ای است که خداوند آفریده است. «إِنَّ الذِّينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنِ عِبَادَتِهِ وَ يَسْتَحْوَنَهُ وَ لَهُ يَسْجُدُونَ.»^(۳۶) نتیجه عبادت خدا، خضوع در برابر خدا و تواضع در برابر خلق است. لقمان حکیم در نصیحت به فرزند، به رابطه او با مردم نیز اشاره و او را به فروتنی با آنان توصیه می‌کند: «و لا تصغر حدک للناس و لا تمش فی الأرض مرعاً...»^(۳۷) (بسر! با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان و بر زمین با غرور راه مرو...)»

طبق این آیه، لقمان از فرزندش می‌خواهد در برابر دیگران متواضع باشد و با چهره گرفته با آنها مواجه نشود.^(۳۸) کسی که به مقام عبودیت می‌رسد، روح عبودیت در رفتارش نمایان است که از جمله آنها تواضع و فروتنی است.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گفته شده، روشن می‌شود که:

۱. به طور کلی عبودیت در هر چیزی که جلوه‌گر شود، باعث رشد و تعالی او می‌شود. یعنی انسان و با جامعه با عبودیت به جایی می‌رسد که تمام فضایل اخلاقی را رعایت می‌کند و رعایت فضایل اخلاقی نشانه تعالی فرهنگی فرد و جامعه است.
۲. انسانی که به تعالی فرهنگی دست می‌یابد، در بخش فردی از ویژگی‌هایی چون تسلط بر نفس، تسلط بر افکار پراکنده، بینش خاص، بی‌نیازی روح از بدن و تصرف در آن، تصرف در جهان، عفت، صبر، محبوبیت نزد خدا، رستگاری و... و در بخش اجتماعی، جلوگیری از گناه و فحشا، امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح بین مردم، عفو و گذشت، سخن و رفتار نیکو، عدل و انصاف و تواضع و فروتنی برخوردار است؛ زیرا عبودیت

الهی موجب تقویت بنیان اعتقادی و رشد فضائل اخلاقی می‌گردد و تعالی فرهنگی چیزی جز اعتقادات معقول و صحیح و برخورداری از فضائل و ارزش‌ها در حیطه زندگی فردی و اجتماعی نیست. جامعه متخلق و معتقد و دارای باورهای معقول، جامعه‌ای متعالی و رشدیافته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. عنکبوت، ۴۵.
۲. محمد بن حسن شیخ حر عاملی، پیشین، ج ۳، ص ۷ (باب ۲ از ابواب اعداد الفرائض حدیث ۳).
۳. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۲۹۰.
۴. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، الخصال، ج ۱، ص ۱۷۰.
۵. ر.ک: نهج البلاغه، ترجمه مرحوم دشتی، نامه ۴۷.
۶. آل‌عمران، ۱۰۳.
۷. همان، ۱۰۴.
۸. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ج ۲، ص ۱۷۹.
۹. آل‌عمران، ۱۶۹.
۱۰. فضل بن حسن طبرسی، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۹۷.
۱۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، پیشین، ص ۴۶۵.
۱۲. فاطر، ۴۵.
۱۳. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۶۰.
۱۴. مانده، ۱۳.
۱۵. تفسیر نور، ج ۲، ۲۵۷.
۱۶. اعراف، ۱۹۹.
۱۷. اسراء، ۵۳.
۱۸. محمد ثناء الله مظهری، التفسیر المظهری، ج ۵، ص ۴۴۸.
۱۹. حسن بن مسعود بغوی، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۳۸.
۲۰. سید محمد حسینی همدانی، تحقیق: محمد باقر بهبودی، انوار درخشان، ج ۱۰، ص ۸۸.
۲۱. سید عبدالحسین طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۲۶۸. محمد ثقفی تهرانی، تفسیر روان جاوید، ج ۳، ۳۶۸.
۲۲. همان، ص ۲۶۹.
۲۳. مانده، ۹۳.
۲۴. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۷۴۲.
۲۵. جمعی از نویسندگان (نماینده ولی فقیه در سپاه)، تعلیم قرآن، ج ۲، ص ۱۰۶.
۲۶. نحل، ۹۰.
۲۷. یعقوب جعفری، پیشین، ج ۶، صص ۲۰۲، ۲۰۳.
۲۸. ملا فتح‌الله کاشانی، تفسیر خلاصه المنهج، ج ۳، ص ۸۷.
۲۹. سید محمد حسینی همدانی، پیشین، ج ۹، ۵۲۷.
۳۰. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، پیشین، ج ۱۱، ص ۳۶۶.
۳۱. مانده، ۸.
۳۲. عبدالنبی امامی، فرهنگ قرآن اخلاق حمیده، ج ۲، ص ۷۳۴.
۳۳. تمیمی آمدی، پیشین، ص ۵۸۳.
۳۴. محمد باقر مجلسی، پیشین، ج ۷۲، ص ۲۷.
۳۵. تمیمی آمدی، پیشین، ص ۴۴۶.
۳۶. فرقان، ۶۳.
۳۷. محسن قرآنی، تفسیر نور، ج ۶، ۲۷۸.
۳۸. اعراف، ۲۰۶.
۳۹. لقمان، ۱۸.
۴۰. فضل بن حسین طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ج ۳، ص ۲۸۱.